



۲۰۱۶/۰۸/۰۵



ضیاء نظام

## رشد بی سابقه پوپولیزم در غرب

به ارتباط موضوع مورد بحث:

در اواخر ماه جون که برای دیدار فامیل در لندن بودم، اتفاقاً به جریان انتخابات رأی دهی برای جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا (Brexit) برابر شدم. نتیجه آراء موافقین و مخالفین از روی فیصدی بسیار کم فرق داشت، ولی متأسفانه همان تفاوت اندک، انگلستان را از همه امتیازاتی که عضویت در اتحادیه یورپ فراهم آورده بود محروم نمود. درین تغییر شکل سیاسی و اجتماعی بنیادی، از باور به دور است که تبلیغات چی های حزب بر سر اقتدار «محافظه کار» در چنان یک مملکت پیشرفته اروپایی تا کدام حد ذهنیت تابعین انگلیسی را تخریب نموده و حتی عضویت انگلستان در اتحادیه اروپا را از نظر اقتصادی و تأدیات و مصارف حق العضویت انگلستان، کاملاً به ضرر تکس دهندگان و مردم آن مملکت وانمود نموده بودند. البته بیشترین اتکاء در چنین زمینه ای بر مسئله مهاجرین جدید از ممالک شرقی و شرق میانه بود که گفته میشد که با پذیرش آنها، حتماً و دقیقاً شرایط کار و تحصیل برای باشندگان آن سرزمین دشوار میگردد که باید هرچه زود تر دم آن گرفته شود و البته که هجوم پناه جویان، راه تروریستان را هم در آن سرزمین می کشاید.

جای تعجب است که مهاجرین سابقه، منجمله کتله های بزرگ هندی و پاکستانی، اکثراً برای مانع شدن از سیل پناه گزینان جدید، رأی بر جدایی «!» داده بودند، یعنی که ما آمده ایم، ولی شما نیاید.

بعد ازینکه انگلستان از اتحادیه کنار گرفت، تعدادی دست به مظاهره بزرگی زدند، طوریکه در پهلوی موافقین، یک گروه بزرگ ادعا داشتند که «حقایق» طور دیگری برای آنها قبولانده شده بود و حال متوجه شده اند که این جدایی که شاید تا حد زیادی سد راه مهاجرین جدید بگردد، در حقیقت به نفع مملکت نبوده، در پهلوی از دست دادن امتیازات منحیث یک دولت عضو، منافع تحصیل و کاریابی را که بین ممالک عضو موجود است، با چنین فیصله ای به اختناق مواجه میسازد. مثلاً خبرگان و متخصصین اروپای شرقی را که با تنخواه کمتر، کار های مفید و برارنده ای در مؤسسات و دوایر اجراء می نمایند، منبعد از پذیرش شان محروم ساخته و از لحاظ خدمات و تکس دهی خسارات زیادی وارد می گردد. همچنان محصلین ممالک عضو اتحادیه که آزادانه در انگلستان درس میخوانند و مصارف تحصیل را میپردازند، دیگر پذیرفته نگردند و امثال چنین مسائلی که همه به ضرر اجتماع خواهد بود. ارادتمند: ملالی نظام

\*\*\* \*\*

در کشورهای غربی، پوپولیزم و دماغوژی در حال رشد سریع می باشد. گرچه این دو اصطلاح، در معنی باهم متفاوت اند، اما امروز در غرب جهت جلب پشتیبانی مردم برای پیش برد هدف های سیاسی ذریعۀ یک عده سیاستمداران، از هر دو شیوه استفاده می کنند و اکثراً از آن تحت عنوان پوپولیزم یاد می شود.

پوپولیست ها با اغواء و فریب مردم، سعی می کنند از راه تحریک احساسات شان با توسل به وعده های کلی و مبهم، پشتیبانی و حمایت مردم را به خود جلب کنند. امروز رهبران این جنبش بیشتر به خصومت های نژادی، قومی و مذهبی دامن می زنند و تمام مشکلات موجود جامعه را ناشی از حضور خارجی ها و مهاجران تعبیر و توجیه می کنند. در حالی که هم اکنون و هم در گذشته، نیروی این مهاجران عمدتاً نیاز جدی بوده و کشورهای شان قسماً با استفاده از نیرو و منابع بشری مهاجران اعمار شده و انکشاف یافته اند و همین اجنبی ها دست آورد های مؤثری در تقویت انکشاف اقتصادی و تجارتی و غنای فرهنگی کشور های پذیرنده، داشته اند که نمی توان از آن چشم پوشی و انکار کرد.

رهبران پوپولیست، مردم عوام را نا آگاه و غافل و بی خبر پنداشته و عموماً بر مردم محروم، کم دانش و خوش باور اتکاء کرده اند. هدف، اغواء و گمراه ساختن مردم از طریق وعده های فریبندۀ میان تهی، دروغین، بی بنیاد، عوام فریبانه و تحریف حقایق است و از همین طریق سعی می ورزند حمایت و پشتیبانی مردم را به خود جلب و در انتخابات پیروزی را از آن خود سازند.

گفتنی است که نارضایتی های گسترده نسبت به اوضاع امنیتی و اقتصادی و بعضی بی نظمی های اجتماعی و نگرانی ها در مورد مهاجرت باعث رشد پوپولیزم در کشورهای غربی شده است. امروز در اکثر کشورهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا پوپولیزم چنان از پشتیبانی و حمایت مردم برخوردار است که قبلاً هرگز تصور آن ممکن نبود.

چنان که در انتخابات اتریش مورخ ۲۳ می ۲۰۱۶ میلادی آقای هوفر از حزب آزادی که با شعار های ضد مهاجرت و ضد اتحادیه اروپا در این انتخابات به مبارزه پرداخته بود، با اختلاف نهایت ناچیز ۴۹،۳ فیصد مقابل ۵۰،۳ فیصد از رقیبش که تقریباً همه احزاب از آن حمایت می کردند، شکست خورد و اما توانست دو حزب عمده سوسیال دموکرات و حزب مردم را که بعد از جنگ جهانی دوم همه رؤسای جمهور و حکومت های این کشور را به خود اختصاص داده بودند، به حاشیه ببرد. قابل یادآوری است که این حزب یازده سال قبل صرف سه فیصد آرای مردم را با خود داشت.

در فرانسه نیز نظرسنجی ها نشان می دهد که رهبر حزب پوپولیست (جبهه ملی) در دور اول انتخابات آینده ریاست جمهوری ۲۰۱۷م نامزد پیشتاز کرسی ریاست جمهوری خواهد بود. در کشور دنمارک حزب مخالف مهاجرت (حزب مردم) موفقیت غیر قابل پیش بینی به دست آورده است. در جرمنی، هم چنان حزب راستگرای پوپولیست (بديل يا الترناتيف برای جرمنی) در انتخابات اخیر آرای بسیار بلند را کسب کرده است. همین گونه در هالند، حزب افراطی ملی گرا و ضد مهاجرت گرت و لدر Geert Wilder در هر دو انتخابات اخیر پارلمانی، آرای قابل ملاحظه ای به دست آورده و از حکومت فعلی هالند بدون اشتراک در کابینه حمایت می کند. در ایالات متحده آمریکا نیز، نامزد پیشتاز تحمیلی حزب جمهوری خواهان دونالد ترمپ، شعارهای پوپولیستی و ضد مهاجران را سر داده و از پشتیبانی اکثریت جمهوری خواهان و راست های افراطی برخوردار است. از

جمله پیشنهادهای عمده ارائه این نامزد یکی هم اعمار دیواری به ارتفاعی سه متر است که به روز اول آغاز کار ریاست جمهوری خود آن را پایه گذاری نموده و جالب این که مصرف این دیوار را باید حکومت مکزیکو بردارد، هم چنان مهاجران غیر قانونی یازده میلیون را که احصایه رسمی ثبت شده در امریکا نشان می دهد، اخراج خواهد کرد. او هم چنان وعده کرده است که از ورود مسلمانان به ایالات متحده امریکا، جلوگیری می کند، به گفته وی چون مسلمانان از امریکا نفرت دارند، پس نباید بعد از این به ایالات متحده امریکا وارد شوند یعنی یک حرکت واضح اسلام ستیزانه را بسیج کرده است. بر علاوه آن به عقیده این نامزد ورود مهاجران باعث افزایش جرایم و نا امنی در ایالات متحده امریکا می شود.

دونالد ترامپ در سطح بین المللی نیز نظریات جدیدی دارد، وی موجودیت سازمان پیمان اتلانتیک شمالی NATO ناتو را به مبارزه کشیده و به قرار گفته وی: این سازمان میراث دوران جنگ سرد است که نباید به شکل فعلی ادامه یابد. اتحاد شوروی سابق، یکی از طرفین دوران جنگ سرد بیست و پنج سال پیش از امروز از هم پاشیده، تبخیر گشته و از بین رفته است اما طرز فعالیت سازمان ناتو باز هم به همان شکل سال های سابق، جریان دارد که باید آن را تغییر داد و به یک سازمان ضد تروریستی یا طور دیگری می تواند عرض وجود کند. وی می افزاید: ایالات متحده امریکا قسمت اعظمی از بودجه این سازمان را می پردازد که باید تجدید نظر شود و سایر کشورهای عضو ناتو باید بیشتر در تمویل بودجه آن سهیم شوند. نام برده نظریات مشابه در مورد سازمان ملل متحد نیز دارد.

البته اکثر پیشنهاد های پوپولیست ها تحقق ناپذیر بوده و جنبه تطبیقی و عملی ندارد و پیشنهاد کنندگان به کلی از این امر آگاه اند، ولی از آن جایی که حمایت مردم از شعارها موجود است، فلذا به این ترتیب می خواهند حکومت های آینده کشورهای خود را به دست گیرند و اداره کنند، به این ترتیب آگاهانه به وعده های میان تهی، غیر عملی و با احساس غرض آلود خود ادامه می دهند.

پشتیبانی مردم، از این جنبش های پوپولیستی گسترش یافته، خیلی زیاد است و در نتیجه این تبلیغات، جنبش ها و احزاب راست افراطی از حالت انزوا به احزاب عمده کشورهای خود تبدیل شده اند. البته به استثنای حزب جمهوری خواه ایالات متحده امریکا که همیشه یکی از دو حزب عمده و مطرح آن کشور است و اکنون خلاف میل رهبری آن حزب، یک نامزد البته به پشتیبانی مردم، خود را بالای آن حزب تحمیل می کند، اما به گمان اغلب، بیشتر پیشنهاد های این نامزد جنبه عملی به خود نگرفته و تحقق نخواهد پذیرفت.

سه علت عمده رشد پوپولیسم و مخالفت های شان با مهاجران و مسلمانان، مبنی بر ورود تعداد بیش از حد افزون مهاجران غیر اروپایی، نا امنی و مشکلات اقتصادی می باشد که بعضی از این علل توضیح داده می شوند:

**اول:** تعداد مهاجرین غیر اروپایی و اکثراً مسلمان در اروپای غربی، به صورت سرسام آوری افزایش یافته است که بی سابقه می باشد. گرچه در مورد احصایه پیروان مذاهب اتباع کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، احصایه گیری رسمی جداً ممنوع است، مگر باز هم یک سلسله نظر سنجی ها نشان می دهد که در چهار کشور عمده اروپای غربی و جنوبی (فرانسه، جرمنی، انگلستان و ایتالیا) تعداد مسلمان هایی که عموماً خود مهاجر بوده و یا هم زاده مهاجران مسلمان اند، به صورت غیر قابل پیش بینی افزایش بی سابقه یافته است. هم اکنون کشور فرانسه به تعداد پنج میلیون مسلمان را در خود جا داده است که این مسلمانان هشت درصد مجموع نفوس آن کشور را

تشکیل می دهند که بیشترین جمعیت مسلمانان را در کشورهای اتحادیه اروپا احتواء می کند. این مسلمانان از افریقایی شمالی آمده اند که مشتمل بر اعراب و بربرها می باشند.

جرمنی، دارای پنج میلیون مسلمان است که شش در صد مجموع جمعیت آن کشور را در بر می گیرد و اکثراً این مهاجران ترک تبار بوده و در جمعیت مسلمانان جرمنی، یک صد و پنجاه هزار افغان هم شامل است.

در انگلستان به تعداد سه میلیون نفر مسلمان اسکان دارند که اکثریت شان اهل نیم قاره هند بوده و شصت هزار نفر افغان هم مشمول آن ها است. در ایتالیا ۲،۲ میلیون مسلمان سکونت دارند که اهل سومالی، آلبانیا و شمال افریقا می باشند و این مهاجرین چهار درصد مجموع نفوس آن کشور را شامل است.

به همین قسم تعداد مسلمانان در سایر کشورهای اروپایی از قبیل اسپانیا، نزدیک به دو میلیون و درهالند یک میلیون است که به ترتیب دو و شش در صد جمعیت های شان را در بر می گیرد. در کشور های بلجیم، یونان، اتریش و سویدن، که دارای اقلیت های قابل ملاحظه مسلمانان اند، با آن هم بیشتر از پنج درصد نفوس آن کشورها را تشکیل می دهد.

اکثر این مهاجران در ظرف چند دهه اخیر به اروپای جنوبی، غربی و شمالی مهاجرت کرده اند. یعنی حضور شان در این کشورها سابقه تاریخی چندانی نداشته بلکه یک پدیده جدید در زندگی اجتماعی شان، با فرهنگ های متفاوت می باشد که همین امر، سبب بروز عکس العمل های اهالی آن ممالک شده است. زیرا این کشورها، اکثراً کشورهای متوسط و کوچک شمرده می شوند. احزاب راست افراطی در این کشورها سعی می ورزند این مهاجرت ها را به حیث یک تهدید علیه سرزمین های شان تلقی کنند و تبلیغ گسترده ای را به راه بیندازند که گویا این مهاجران در دراز مدت هویت ملی آن ها را به مخاطره می اندازند.

در ایالات متحده امریکا وضع طور دیگر است، در این کشور تقریباً در حدود یازده میلیون مهاجر غیر قانونی حضور دارند که اکثریت قاطع شان از کشورهای امریکای جنوبی و تقریباً نصف آن ها صرف اتباع کشور مکزیکو می باشند. بنابر همین علت است که دونالد ترامپ، در مبارزات انتخاباتی خود پیشنهاد کرده است که در خط سرحدی ایالات متحده امریکا با کشور مکزیکو، یک دیوار ساخته شود تا در آینده از ورود مهاجران یا به تعبیر خودش متجاوزان، ممانعت جدی به عمل آورده شود.

**دوم:** علت افزایش طرفداران پوپولیزم موضوع امنیت است. یعنی با تزیید و تراکم مهاجران، وضع امنیتی این کشور ها شکننده تر می شود. آن ها در این زمینه، حمله مسلمانان افراطی یا تروریستان القاعده را به شهرهای نیویارک و واشنگتن در سال ۲۰۰۱م مثال می آورند. همین حادثه آغازگر و دست آویز عمده تبلیغات زهر آگین آن ها در زمینه است. کشتار های اخیر در پاریس و بروکسل، توسط داعش و هم چنین ورود صد ها هزار مهاجر و پناهنده از طریق ترکیه، یونان و ایتالیا به اروپا، توجه مجدد به جمعیت مسلمانان این قاره را جلب کرده و بر میزان تبلیغات و مخالفت بر آنها افزوده است. البته کشتار های فرانسه و بروکسل، که توسط اتباع مسلمان این کشورهای اروپایی صورت گرفت، نگرانی های شدیدی را در مورد اقلیت های مسلمان این کشور ها در اذهان عامه ایجاد کرده است.

**سوم:** یکی از دلایل دیگر رشد پوپولیزم را مشکلات اقتصادی ممالک میزبان می دانند. امروزه کشورهای اروپایی، مخصوصاً در جنوب مثل یونان، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه در بحران اقتصادی قرار داشته، تعداد بی

کاران آن بیشتر از ده فیصد نفوس شان را تشکیل می دهد و فقر هم توسعه یافته است. این وضع را مردم غریب، نتیجه مهاجرت های وسیع خارجی ها و سرمایه گذاری در جهان سوم مخصوصاً کشور چین و سایر ممالک جنوب شرق آسیا می دانند که باعث ایجاد کار و شغل در آن کشورها شده و برعکس سبب فقر و بی کاری در اروپا گشته است.

پوپولیسیت ها با شعار های ناسیونالیستی، از قبیل فرانسه برای فرانسویان، امریکای بزرگ دوباره، و امثال آن، شجاعت به حفظ خون اتریشی ها و سایر شعار های بلند بالا و تحریک کننده، اذهان افراد نا آگاه، بی خبر و غافل را مغشوش و آن ها را سخت فریب می دهند. پوپولیسیت ها ادعا دارند که می توانند وضع زندگی شان را تغییر دهند و به این ترتیب خصومت ها و مخالفت ها را فوق العاده دامن می زنند.

طوری که در بالا تذکر یافت، علت افزایش و رشد طرفداران پوپولیسیت ها، همانا تروریسم و ورود مهاجران و مشکلات اقتصادی ناشی از آن می باشد. قابل یاد آوری است که هنوز هم اکثریت مردم اروپا و امریکای شمالی، در مخالفت با پوپولیسیت ها اقدام می کنند، چنانچه حتی بعضاً به خاطر بروز احساسات خود، کلمه فاشیست را در مورد آن ها استعمال می کنند. چه آنها می دانند که قربانی اولی تروریسم مسلمانان بوده و امروز این گروه های افراطی و وحشی، در بعضی مناطق کشورهای اسلامی، حکمروایی دارند و سبب شده تا مهاجرت ها اکثراً از کشورهای جنگ زده صورت بگیرد. به عبارت دیگر جنگ مردم را مجبور و وادار به فرار و مهاجرت ساخته و این وضعیت در بروز معضلات اقتصادی و امنیتی کشورهای فوق، کدام نقش عمده ندارد.

ناگفته نماند که اکثریت احزاب سنتی کشورهای اروپایی و امریکایی، بر ضد تبلیغات گمراه کننده پوپولیسیت ها مبارزه می کنند و به اضافه آن، اکثر رسانه های عمده آنان نقش سازنده را در افشای حقایق و تبلیغات غرض آلود، تخریبی و منفی پوپولیسیت ها بازی می کنند. اکثریت بزرگ مردم کشورهای غربی، مخالف نظریات پوپولیسیت ها و ایجاد تشنج و بحران در جوامع خود می باشند؛ چنان که هر بار یک حزب پوپولیسیت پیشتاز شده و احتمال موفقیت آن بیشتر می شود، همه احزاب دیگر راست و چپ، متحدانه جهت شکست آن مبارزه می کنند. در نتیجه احزاب فوق الذکر می دانند که از لحاظ طرز تفکر و تبلیغات نژاد پرستانه و افراطی پوپولیسیت ها، با ارزش حقوق بشر و دموکراسی در تضاد اند و به این ترتیب در صورت موفقیت، ارزش ها و دست آورد های دموکراتیک کشورهای شان را به مخاطره خواهند انداخت.

پایان